

## تباهی اخلاق عربی به وسیله میراث صوفیانه و پیوند تصوف و تشیع، بررسی و نقد ادعاهای محمد عابد الجابری

چکیده محتوایی

بیان مدعا (حجت الاسلام دکتر اسلامی نسب):

«محمد عابد الجابری» فیلسوف پرآوازه مراکش با تألیفات بسیار خود در حوزه‌های متعدد علوم انسانی توانست جایگاه قابل‌توجهی در جهان عرب و بخش‌هایی از جهان غرب به دست آورد. وی معتقد بود جهان عرب از قرون طلایی ابتدایی خود فاصله بسیار گرفته و در بحران‌های اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی غوطه‌ور است. از این رو با بررسی میراث‌های پنج‌گانه ایرانی و یونانی و صوفیانه و اسلامی خالص و عربی خالص نتیجه گرفت که تمام عقب‌ماندگی‌های جهان عرب ریشه در تفکرات میراث ایرانی (اردشیر) دارد که در قالب آموزه‌های دو مذهب ساختگی تشیع و تصوف به مانند دو تیغه قیچی اخلاق عربی را به تباهی کشاندند. در این جا پس از گزارش اجمالی از ادعاهای جابری درباره تصوف از جمله ریشه داشتن زهد صوفیان در دنیاگریزی مانویان و پیوند میان تصوف و تشیع و ریشه داشتن ولایت صوفیانه در ولایت و امامت شیعی و تأثیر میراث ایرانی در احوال و مقامات صوفیه و چگونگی تأثیر آنها در اخلاق عربی — این ادعاها را بررسی و نقد می‌کنیم.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر محمدعلی میرزایی):

در عنوان کرسی اگر تغییری صورت بگیرد و به این صورت که در اسسه نقدیه در ابتدای عنوان باشد بهتر است؛ محتوا ناقدانه نیست و مسئله به این وضوح که فرمودید نیست؛ عبارت های عابد الجابری نقل نشده است؛ گفته اید که جابری همه چیز را به ایران بر می گرداند در حالیکه اینگونه نیست و همه چیز را به ایران بر نمیگرداند؛ یک نوع یکجانبه نگری و عدم استدلال در ارائه مطالب وجود دارد؛ درباره تعلق خاطر جابری به این تیمیه گفته که که اهل مشرق عربی است که به نظر درست نیست؛ جابری رابطه مریدی و مرادی در صوفیه به صورت زهد انکاری را نفی می کند که این همان زهد راهبانه است که در کلام بزرگان هم نفی شده است.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر هادی بیگی):

محتوا و ادبیات جانبدارانه و با پیش قضاوت همراه است؛ عنوان مقاله محل اشکال است، تباهی اخلاقی و تصوفی بود ولی به تشیع خیلی پرداخته نشده؛ نوع مواجهه با جابری باید مسئله محور باشد چون مسئله دارد؛ ارزشهای اسلامی را ایشان می گوید از اصل اسلام بگیریم نه از اردشیر و...؛ با چند مثال نقض نمی شود عابد الجابری را نقد کرد چون او ساختارمند است و به صورت سیستمی باید مورد بررسی قرار بگیرد؛ پازل ایشان در عقب ماندگی دنیای عرب و عقل عربی باید به صورت مهندسی شده بررسی شود، نگاه به عقل و عقل این رشدی را باید بحث کرد؛ روش شناسی ایشان باید نقد شود نه مثال های ایشان؛ سوال بنده از ارائه دهنده محترم این است که: آیا فرهنگ ایرانی پس از اسلام حذف شده است؟ یا باز تولید شده است؟